

خداوند در قرآن مجید در سوره نحل آیه ۷۲، داشتن فرزندان را از تایید ایمان زناشویی بشمار آورده، و آنرا در ردیف طایبات ذکر کرده است:

«وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً

وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ» یعنی: و خداوند برای شما از جنس خودتان همسران قرار داد و

برای شما از عسران تنان فرزندان و نواکان پدید آورده و از چیزهای پاکیزه روزی شما نمود،

و نیز در اول سوره نساء میفرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

مِنْ نَفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً» یعنی ای

مردم! بترسید از پروردگار آن که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او خلق کرده و از آنها

مردان بسیار و زنان پدید آورد.

عوامل و انگیزه های تشکیل خانواده منسربعوامل درونی که بعضی از آنها را در بالا ذکر

کردیم نیست:

جامعه شناسان، بعد از تحقیقات دامنه داری در علل پیدایش خانواده، این نتیجه رسیده اند

که عوامل متعددی در این پدیده اصلی اجتماعی دخالت دارد.

برخی از جامعه شناسان از جمله «بریفو» معتقد است که عوامل اقتصادی مهم ترین نقش

را در پیدایش و ادامه خانواده بازی کرده است و دسته ای دیگر عوامل جنسی و روان شناسی را

فوق العاده، در ایجاد خانواده دخیل میدانند.

یک نظریه جالب درباره علل زناشویی از طرف جامعه شناس آلمانی (مولر لیر) در کتاب

«تحول ازواج در دوران سانس» اظهار شده است.

وی در کتاب خود مینویسد: «سعامل، افرادی طرف ازواج کنده است که عبارت است

از: نیاز اقتصادی؛ میل داشتن فرزند و عشق، این عوامل با اینکه در کلیه جوامع وجود داشته

اما اهمیت آنها در ادوار مختلف متغیر بوده است در جوامع اولیه علل اقتصادی اهمیت بیشتر

داشتند و حال آنکه در مدنیتهای باستانی زاد و ولد در مدنیتهای امروزی عشق مقام مهمتر

را دارا بوده است» (۱)

(۱) جامعه شناسی ساموئیل کذبک ص ۲۳۲

باین دلیل

خوشوقتم که در یک خانواده عیسوی بدنیا آمده ام

مقاله ریرین مصاحبه ایست که بنا بر درخواست ما، با یک

دوشیزه تازه مسلمان در شهر و کرفله آلمان غربی، توسط یکی از

دانشجویان مسلمان بعمل آمد. اصل مصاحبه بر بان آلمانی بوده و

بوسیله یکی از اعضاء مؤثر انجمن اسلامی دانشجویان شهر و کرفله

بقاری ترجمه گردیده است.

به عقیده ما شور و نشاط دینی این دوشیزه تازه مسلمان، میتواند

سرمشق جالب و مؤثری برای عموم جوانان ما مخصوصاً آنهاست که

در محیطهای خارج زندگی میکنند و بهیچانهائی از زیر بار دستوره های

اسلامی شانه خالی مینمایند باشد.

ما امیدواریم این دو شیره یا شهابت تازه مسلمان، مشکلات

گوناگون آنها را که اکنون از نظر خانوادگی و مخالفت پدر و مادر و سایر

شرایط محیط دارد بزودی پشت سر گذاشته و بتواند یکی از دعوت

کنندگان بسوی اسلام در محیط خود باشد. و ما باین دوشیزه مسلمان

یا ایمان و پر شور و سیمانه درود میفرستیم.

کمتر کسی از مسلمانان است که در شهر کرفله آلمان غربی دوشیزه «زیگرید ووردل»

که پس از مسلمان شدن خود را «آمنه ووردل» نام نهاده، شناسد.

او یک دوشیزه جوان آلمانی است که پس از تحقیقات و بحثهای بی دریغی آئین

مقدس اسلام را پذیرفته و در این مدت کوتاه (در حدود هفت ماه) مقالات و سخنرانیهای او در انجمن

جوانان مسلمان شهر کرفله سبب تحسین همگان شده است. بقیه مطالب را از زبان خود او

بشنوید:

س - چه چیزی شما را اسلام شمایل کرد؟

ج - من قبلاً بوسیله راهنمای و کارکنان مسلمان که راجع به آسیا و آفریقا نوشته شده از

وجود دین اسلام با اطلاع بودم البته در این کتاب راجع به اسلام چندان خوب بحث شده و فکر میکردم که این دین برای آسیای هاست و در واقع من یک عیسوی چشم و گوش بسته بودم که حرفهای کیش در نظر ما مانند حرفهای عیسی مسیح (ع) بود و این تقریباً هکسانی است و کسی را یاری مخالفت نیست ، تا اینکه در کارخانه ما جوانی ایرانی مشغول کار آموزشی شد و ابتداء ورود او همزمان با ماه مبارک رمضان بود ، او با ایمانی که بدین خود داشت در محل کار به نماز و روزه خود ادامه میداد و این عمل او من بدین در کارخانه پیچید و همه سحر را و غیباً او را مسخره میکردند ولی او با ایمان ستم و بدون اهمیت باین استهزاها بعمل خود ادامه میداد .

تقریباً یکسال از ورود او باین کارخانه ساجی گذشته بود که کم کم با همه آشنا شد و شروع بفالیت دینی نمود ، بعضیها بحث و بدهای سزواتی میداد و یکی از آنها بدینم رسید ، پس از مطالعه آن سؤالاتی داشتیم تا چارباد مراجعیه نموده ، و او هم با مهارت مخصوصی ما تعراز اسلام جدا و به کتاب مقدس انجیل برگرداند ، و نشان داد که در این موضوع عیسویت و اسلام با یکدیگر هم آهنگی دارند و سپس راجع باسلام بیاناتی داشت ، این خود سبب شد که میان ما راجع با انجیل بحث شود من برای دفاع از انجیل مدتها زحمت کشیدم و در حدود ۱۵۰ صفحه جزوه تهیه کردم تا او را بجهانی بودن عیسویت آشنا کنم ، ولی در روز و بعد از این جزوات علیه من بودند ، زیرا ضد و تقیضهای انجیل بقدری زیاد است که من بهجت برای دفاع نداشتم .

تقاضای آن کردم تا شاید نقاط ضعفی در آن بیاید و بر ضد آن استفاده کنم ، او امتناع ورزید و خواندن انجیل را بمن توصیه کرد و مطالبی را نشان داد تا با کیش مخصوص محل در میان بگذارم گرچه انجام این عمل خیلی برایم دشوار بود ولی را نجاتی برای زندگی جستجو میکردم ، لذا نزد کیش رفتم و بمجرد ملاقات و بحث در این باره با اثر شرونی مرا تر که در این خود سبب شد که بحثهای جوان مسلمانرا واقعی تلقی نسایم .

این بار قرآنی بمن داد و من با شدت حریجه تمام تر کلیه قرآنرا تمام کردم ولی نه تنها عیب گونه نشد و بعضی پیدا نکردم بلکه قرآن مرا تغییر داد و وادار کرد که بان ایمان بیاورم کتبی هم راجع باسلام خواندم و نیز بحث با جوان مسلمان ایرانی که بدست منوجه شدیم مؤسس انجمن اسلامی شهر گرفتند میباید سبب شد که امر روز از گمراهی نجات یابیم .

س - عبادت را چگونه انجام میدهید ؟

ج - ابتدا نماز را بزبان آلمانی میخواندم و بعداً شروع بیاد گرفتن زبان عربی نمودم و با اینکه زبان بسیار مشکلی برای ماست ولی تاکنون کمی از آنرا یاد گرفته ام و اکنون بزبان عربی عبادت میکنم تا امید خدا در آینده قرآنرا بزبان عربی بخوانم .

ابتدا روزی یکی از مشکتترین اصالی برام بود ولی با کمک خداوند اعمال دو روز قبل از رمضان تمرین کردم و بعداً تمام ماه مبارک را روزه بودم .

س - آیا زندگی اسلامی در آلمان برای شما دشوار نیست ؟

ج - ابتدا فکر میکردم که انجام مراسم اسلامی و حفظ حرام و حلال برام غیر ممکن است ولی خوشبختانه وجود بعضی قلیلی از مسلمانان که سنا سنا خود آنها در اروپا نادراست غیر ممکن بودن اجرای احکام را از فکر دور کرد ، و من خوشبختانه پیر مکتب فقه شیعه میباشم لذا ذبح غیر اسلامی را در اینجا حرام میدانم و بهیچوجه گوشت نمیخورم ولی بقیه چیزها هیچگونه مشکلی برام نیست البته چه در این مسائل مشکلی است و من از خداوند تمنا دارم که عبادت مرا بپذیرد و من اسال کلبه ماه رمضانرا فقط با خوردن نان و پنیر در سحر و افطار می کردم چون والدینم مخالف شدید این اعمال من میباشند اما همیشه در مضیقه عیاشم و امید من تنها بخدا میباشد که با افراد پر دبار کمک و مساعدت میکند .

من همیشه با خود میاندیشم و خدا را سپاس میگویم که در یک خانواده عیسوی بدنیا آمده ام و با تحقیق اسلام را پذیرفته ام زیرا اگر در میان مسلمانان و خانواده های اسلامی دیده بودم میگردم شاید منم ما اندعه ای از مسلمانانیکه شناخته ام فردی است و بی قید نسبت با کسی که بدین جا و این اسلام بودم و همیشه بحال رحمت پیغمبر گرامی اسلام خواندگان آنحضرت که با آنها همفکری نهال اسلام را آبیاری کردند تا سفس میخورم که چنین پیروانی دارند عجب اینجاست که اینده از مسلمانان انتظار هم میکنند که مسلمان هستند ، من همیشه این سؤال را از خود میکنم که اینها چگونه این افتخار رسیده اند در حالیکه عمل رحمت پیشو با آن بزرگ اسلام را خشن نموده و بتوانین اسلام احترام نمی گذارند .

تا سفاکه بسیاری از مسلمانان امروز غم میگویند و نه تنها از عمل خود نادم نیستند بلکه بر آن عملیاتی که در حوضه اجزای آن بکار میبرند بر یکدیگر نفر میورزند !

از خدایوند تقاضا دارم که مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کند تا با اهمیت دین خود بی برده و عظمت و قدرت گذشته خود را مجدداً بدست بیاورند .

با اجازت شما خوانندگان گرامی درود فراوان خود را بر او پاک شهیدای اسلام میفرستم و شمار معذور را تکرار میکنم « اسلام برتر از همه چیز و هیچ چیز برتر از اسلام نیست » !